گزارش‌دهنده: کاپیتان جیمز
برگردان: دکتور لعل زاد
لندن، ۲۲ نومبر ۲۰۲۲

گزارش اشغال شمال هندوکش توسط افغان‌ها

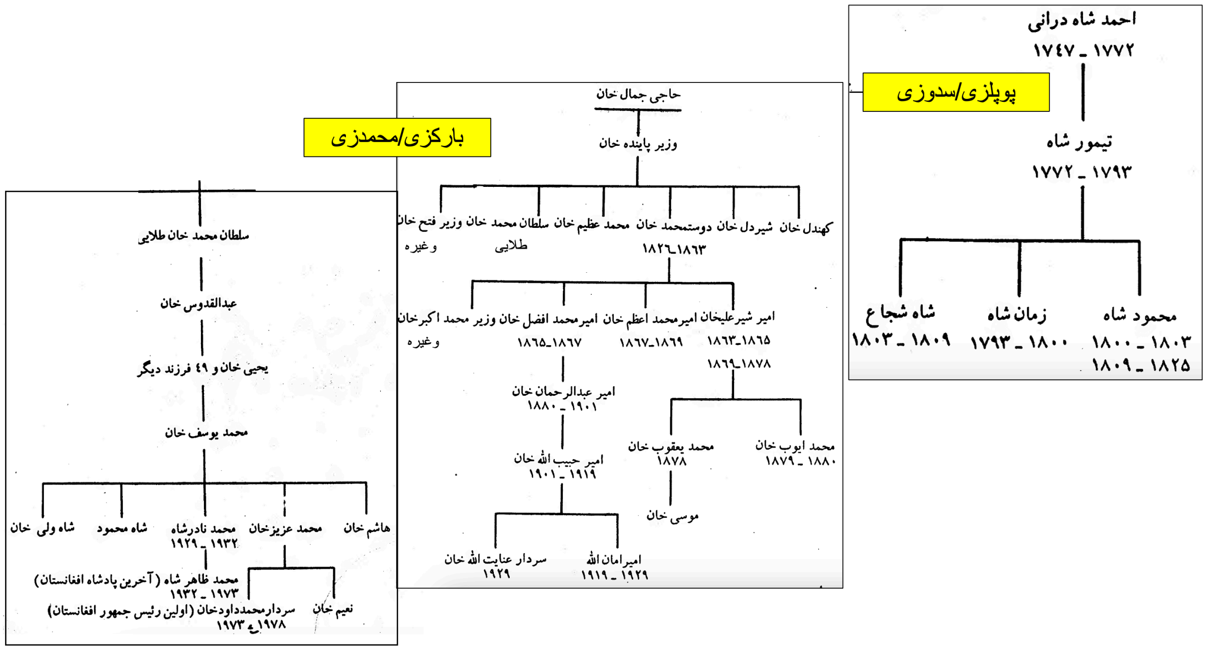
پیشگفتار برگردان

این برگردان چند برگ از فصل دهم زیر نام «فشرده‌ی از گزارش‌های اداره پنجاب» (از ۱۸۵۹ تا ۱۸۶۳) توسط کاپیتان جیمز کمیشنر پشاور، از رساله‌ی زیر نام «خلاصه مکاتبات در مورد مناسبات ما با افغانستان و هرات» در دوره امیر دوست محمد خان (از ۱۸۵۵ تا ۱۸۶۳) است.

گزارش جیمز دربرگیرنده اشغال شمال هندوکش و حوادث آسیای مرکزی از ۱۸۵۹ تا ۱۸۶۱ و اشغال غور و هرات از ۱۸۶۲ تا ۱۸۶۳ است (قابل ذکر است که هرات برای چندین دهه تا اشغال آن توسط امیر دوست محمد در ۱۸۶۳ مستقل بود. چنانچه برتانیه در ۱۸۳۹ با کامران، به نام «شاه هرات» معاهده امضا می‌کند و در معاهده ۱۸۵۷ بین برتانیه و پارس نیز «استقلال هرات» به رسمیت شناخته می‌شود).

برگه‌های سقوط شمال هندوکش به دست افغانان، به دلیل اهمیت آن، پیش از برگردان کامل رساله و بدون تبصره‌های اضافی خدمت دوستان تقدیم می‌شود تا بدانند که شمال هندوکش چه وقت توسط افغان‌ها اشغال شد [یعنی پس از اشغال بلخ در ۱۸۵۰ و تقرر محمد افضل خان، پدر عبدالرحمن خان به عنوان حاکم بلخ (نخستین «حاکم افغان» در شمال هندوکش**!**) است که شمال هندوکش عرصه تاخت و تاز «حاکمان افغان» (فرزندان امیر دوست محمد، شکل ۱ دیده شود) واقع شده و در ۱۸۵۹ قندز اشغال می‌شود. اما قیام‌های ضد افغانی باز

هم ادامه می‌یابد، چنانچه میراتالیق حتی پس از مرگ دوست محمد در ۱۸۶۳ با پسرش بنام سلطان مراد بنای یاغیگری در قطغن را می‌گذارند... تا اینکه آخرین «میخ افغانی» بر تابوت خان‌ها، میرها و شاهان مستقل شمال هندوکش، توسط عبدالرحمن کوبیده شده و اسکان افغان‌ها در شمال هندوکش نیز توسط عبدالرحمن آغاز می‌شود]. برگردان کامل رساله بعدا خدمت دوستان تقدیم می‌شود.



شکل ۱. شاهان و امیران و سرداران درانی

از اینکه پیش از ۱۸۵۰ چه کسانی و چگونه در شمال هندوکش حکومت می‌کردند، معلومات اندکی وجود دارد. در اینجا پاره‌ی از ویژگی‌های حکومت‌داری اوزبک‌ها در قندز ذکر شده است. برای معلومات بیشتر می‌توانید به سفرنامه‌های مورکرافت (۱۸۲۴) [۱]، برنز (۱۸۳۲) [۲] و موهن لال (۱۸۳۲) [۳] مراجعه کنید که شرح حال کوتاهی از اوضاع آن روزگار را نیز ذکر کرده اند. این سفرنامه‌ها قبلا بردگران شده و به گونه رایگان در اختیار دوستان قرار دارند [۱-۳].

سال‌های ۱۸۵۹ ـــ ۱۸۶۰

🔴 در جریان سال گذشته، مناسبات دوستانه ما با امیر کابل [دوست محمد] بدون مشکل بود. نیروهای والاحضرت زیر فرمان محمد افضل خان ایالت همسایه قندز را اشغال و اطاعت بدخشان را تامین کرد. به این ترتیب سرحدات افغان تا دریای آمو گسترش یافت. کاپیتان جیمز کمیشنر پشاور، گزارش قندز را به شرح زیر ارایه کرد:

حدود دو سده پیش، مناطق شمال آمو و شرق بخارا به چندین ایالت مستقل اوزبک (Uzbak) تقسیم شده بود، یکی از عمده ترین آن‌ها قیراری [؟] در زیر حاکمیت رئیسی بنام مراد بیگ از قبیله قطغن اوزبک‌ها بود. پسرش – محمد خان بیگ – با رانده شدن از آن ایالت توسط شاه بخارا، رود آمو را عبور کرد، مناطق حضرت امام، تالقان و قندز را اشغال نمود و در راس این ایالت (قندز) قرار گرفت که با فواصل سلب مالکیت، تا امروز در دست اولادهای او باقی مانده است. در ۱۷۴۰، خضری بیگ از همین خانواده، رئیس حاکم را به کوههای شرقی راند و توسط نادرشاه که خود را در بلخ تسلیم او کرد، به ریاست قندز گماشته شد. کمی پس از آن، ایالت قندز توسط احمد شاه درانی ضمیمه و بخشی از حکومت افغان بلخ شد.

در ۱۷۸۵، یک رئیس اوزبک بنام قوت خان که توسط تیمورشاه به عنوان حاکم نهرین تعیین شده بود – ناحیه‌ی در قندز و در جنوب شرق شهرکی به این نام – به مقابل افغان‌ها قیام کرد و نه تنها حاکمیت قندز را در دست گرفت، بلکه اشغال خود را بالای بدخشان و برخی توابع بلخ گسترش داد. وقتی تیمورشاه در ۱۷۸۹ به مقابل بخارا لشکرکشی کرد، اطاعت اسمی/ظاهری قوت خان را دریافت نمود، اما به مجرد بازگشت تیمور به کابل، آن را نادیده گرفت. دگرگونی های زیادی به دنبال آمد، تا اینکه در ۱۸۱۵، محمد مراد

بیگ یکی از اولاده رئیس فوق الذکر، حاکمیت خانواده خود را موفقانه تامین کرد و قندز در زیر حاکمیت او به بالاترین درجه رفاه رسید. چون او بدخشان، بلخ و برخی نواحی شمال آمو و تمام مناطق، از دریای آمو تا هندوکش را شامل قلمروهای خود ساخت. این همان حاکمی است که افسران ما در سفر از طریق ترکستان با او آشنا شدند [۱ - ۳]. قرار معلوم، او یک غارتگر مشهور بود و زندگی خود را وقف برنامه های غارت و الحاق کرد. او مردم مناطقی را که اشغال می‌کرد به باتلاق‌های ناسالم آمو می‌آورد، جایی که هزاران نفر جان های خود را از دست می‌دادند و به زودی جای آن‌ها توسط دیگران پُر می‌شد. اتالیق خان حاکم کنونی چند سال پیش جانشین پدرش، محمد مراد بیگ شد، اما هیچ ترس و احترامی برای او وجود ندارد. او به تدریج مالکیت بخش‌های عمده‌ی قلمروهای پدرش را از دست داده است. آن‌های که در غرب قرار داشتند، دوباره در دست حاکم افغان بلخ افتاده‌اند، در حالی که بدخشان و مناطق آن سوی آمو استقلال خود را کمایی کرده اند.

قلمرو کنونی او شامل سه ناحیه‌ی قندز، حضرت امام و تالقان است. مردم آن اوزبک‌ها و تاجیک‌ها اند. اولی عمدتا مربوط قبیله قطغن است و بخش شمالی ولایت قندر به شمول شهرک آن، حضرت امام و تالقان را در اختیار دارند. تاجیک‌ها که در کل منشای پارسی دارند، پیش از اشغال اوزبک‌ها مالکیت این قلمروها را در دست داشتند. آن‌ها هنوز هم استقلال خود را در برخی نواحی مجاور مانند جترال، درواز وغیره نگه کرده اند، اما در قندز فقط در بخش جنوبی آن به جانب هندوکش، به شمول بغلان، اندراب، خوست و فرنگ زندگی دارند. آنها به گونه طبیعی از حاکمان افغان خود متنفر اند و از میر مرحوم به خاطر کوچ بیرحمانه آبادی های آن‌ها به حصارهای مرگبار آمو غم و اندوه خاصی دارند. در کنار این اقوام، طوایف کوچنشین زیادی نیز وجود دارند که به گونه دوره‌ی با گله‌های خود از بخش‌های ولایت دیدن می‌کنند و مجموع جمیعت آن حدود ۲۰۰ هزار نفر تخمین می شود.

میر درآمد خود را قسما از محصولات کشاورزی و قسما از مالیات مردم بر چراگاه‌ها به دست می‌آورد. هر دو درآمد، سالانه به گونه جنس گرفته می‌شود، اولی به نرخ یک-دهم و دومی به نرخ یک-پنجم. گوسفندان این مملکت مشهور بوده و دارای دنبه‌های ویژه پهن اند. کشاورزی گسترده نیست، مگر در کنار رودخانه‌ها. پیش از این، حاکم قندز مالیه‌ی انتقالات در جاده کابل-بخارا را جمع‌آوری می‌کرد، اما اکنون این کار در مرز افغان صورت می گیرد؛ یگانه اقلام دیگر که برای او باقی مانده است، مالیه اسپ است که به گونه خودسرنه ارزیابی می‌شود و مالیه بر شستشوی طلا در رودخانه‌ها. مجموع عواید او شاید حدود دو لک در سال شود.

نیروی که میر در اختیار دارد، شبه نظامیان کشور است که تقریبا همه سوارکار اند. هر رئیس، املاک یا مقام خود را تحت یک دوره نظامی نگه داشته و موظف به نگهداری تعداد معین سوارکاران است که به گونه درست تنظیم و تجهیز شده باشد. او به نوبه خود این تعداد را در بین خانه‌های تحت اختیارش تقسیم می کند – از ۵ تا ۱۰ خانه برای تجهیز و نگهداری یک سوارکار لازم است. هدایای کوچک و سهم در غارت، شرایط یا ملزوماتی اند که این سوارکاران به آن نگاه می‌کنند. حدود سه-چهارم این شبه نظامیان اوزبک‌ها و یک-پنجم آنها تاجیک‌ها اند. شمار مجموعی آنها ممکن است به ۸ هزار برسد. اسپ‌ها کوچک اما خوب اند و به گونه شگفت انگیزی قادر به فعالت مداوم اند. آنها چنان پرورش یافته اند که می‌توانند برای چندین روز با غذای اندکی کار کنند.

🔴 سیاست امیر [دوست محمد] این است که اداره خود را از طریق سران محلی، حفظ پادگان‌های قوی از نیروهای خودش در برخی از مکان های عمده و خط نگهبان‌ها در کنار آمو انجام دهد. کوششی برای شورش در اندراب در جنوب صورت گرفت، اما بدون مشکلات زیاد سرکوب شد. شاه بخارا که خودش یک اوزبک است، از پیشروی افغان‌ها ناخشنود است. زمانی او نیروی به سمت راست آمو فرستاد، اما ناگهان عقب نشینی کرد.

او تلاش کرد تا گوهری بنام «جهانگیری» را از امیر کابل به دست آورد، اما بدون نتیجه بود.

سال‌های ۱۸۶۰ ــ ۱۸۶۱

🔴 در جنوب بخارا، در کرانه‌ی چپ آمو ولایات بلخ و قندز قرار دارد که توسط افغان‌ها اشغال شده است. گزارش شده است که ناحیه اولی از زمان اشغال توسط امیر [دوست محمد] در ۱۸۵۰ پیشرفت کرده است. قندز در ۱۸۵۹ توسط نیروی زیر فرماندهی پسر ارشدش، محمد افضل خان اشغال شد؛ اما او تا کنون با وجود نارضایتی مردم و خصومت سران کوچک میمنه، سرپل، شبرغان و اندخو که نتوانسته اقدام موثری در برابر آن‌ها داشته باشد، جایگاه خود را حفظ کرده است. آن‌ها همیشه تا حدی زیر تاثیر هرات بوده اند و سلطان احمد در ۱۸۶۰ برتری‌های قاطع‌تری را هدف خود قرار داده است. این مرد جاه طلب، داماد و برادرزاده امیر دوست محمد به عنوان دست‌نشانده و شناخته‌شده‌ی پارس آماده است نقش مهمی در سیاست آسیای مرکزی ایفا کند. با این حال، او مجبور شد با شورش کشورش در بالای رود مرغاب از جانب ایماق‌های جمشیدی کنار بیاید و اخیرا یکی از پسرانش را در عملیات از دست داد. دوستان پارسی او نیز در خزان، شکست فاجعه‌باری را در مرو متحمل شدند. گفته می‌شود که آن‌ها مرتکب برخی مظالم بالای قبایل ترکمن در محلی شدند که ناگهانی به ارتش حمله کردند، وقتی در اوایل صبح در حرکت بودند. گزارش شده است که از یک نیروی ۴۰ هزار نفری و ۴۰ توپ، تنها ۲ هزار مرد و یک توپ به هرات فرار کرده است.

---

۱. لعل زاد. سفرنامه مورکرافت. ۲۰۱۳

http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/moorcroft-travels-kabul-bokhara.pdf

۲. لعل زاد. سفرنامه برنز. ۲۰۱۸

http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/travels-into-bokhara-persian.pdf

۳. لعل زاد. سفرنامه موهن لال. ۲۰۲۲

http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/safarnama-mohanlal-kashmiri.pdf